صحنهٔ گرد

۳

از دکتر مهدی فروغ

آنچه تاکنون تحت عنوان صحنهٔ گرد در شماره‌های قبل راجع بساختمان تماشاخانه وسبکهای مختلف صحنهٔ نمایش در دوره های مختلف بیان شد یك مقدمه مجمل تاریخی بود که تذکر آن لازم بنظر میرسید . اکنون می‌پردازیم باصل مطلب که عبارتست از تعریف صحنهٔ گرد وتاریخ پیدایش آن دراروپا وامریکا و مقایسهٔ آن با تکیه های مخصوص تعزیه و تشریفات مذهبی درایران .

ابتدا باید بدانیم که صحنهٔ گرد درعرف اصطلاحات تماشاخانه بچه نوع صحنه‌ای اطلاق میشود .

صحنهٔ گرد آنست که حوزه بازی دروسط تالاری بزرك یا محوطه‌ای سرباز انتخاب شود بطوریکه جمعیت تماشا کننده ازچهارطرف آنرا احاطه کرده باشد . بعبارت دیگر دو یا سه ردیف صندلی دورتادور تالار نمایش میچینند که اختصاص بتماشا کنندگان دارد ومحوطهٔ وسط آنرا برای بازی اختیارمیکنند . بهتر اینست که صندلیهای تماشا کنندگان ازسه ردیف تجاوز نکند وگرنه ردیفهای عقب ازدیدن حرکات اشخاص بازی محروم خواهند ماند مگر اینکه ردیف‌های عقب را در جای مرتفعتری قرار دهند . معمولا یك سکوی کوچك در وسط صحنه میگذارند که عملیات عمده نمایش روی آن انجام شود ولی وجودآن درهمهٔ موارد ضروری نیست . این سکو و محوطهٔ اطراف آن وراهروهاهمه جزء صحنهٔ بازی محسوب میشود . حوزهٔ بازی بتوسط نورافکنهائی که ازبالا بپائین میتابد روشن میگردد وبصحنهٔ

نمایش جلوهٔ خاصی میبخشد. امتیازاین سبك نمایش برسبکهای دیگر این است که علاقه وصمیمیت تماشا کنندگان در نتیجهٔ نزدیك بودن آنها به صحنهٔ نمایش واشخاص بازی افزایش میابد بطوریکه خودرا بیشتر داخل درجریان حوادث بازی حس میکنند.

این سبك نمایش ازابتدای قرن بیستم در کشورهای مرکزی اروپا معمول گردید واینك در آلمان وفرانسه وانگلیس دراروپا ودرایالات متحدهٔ امریکا نمایشهائی بدینطریق اجرا میشود.

درفرانسه چندتماشاخانه مختص این قبیل نمایشها بنا شده که ساختمان یکی ازآنها تقریباً یکسال پیش بپایان رسید.

ازجمله آثاری که دراوائل پیدایش این سبك بمنظور آزمایش بنمایش گذاشته شد نمایش‌نامه‌ای بود بنام پرونلا(۱) بقلم لارنس هاوزمن(۲) که ازنویسندگان دورهٔ ملکه ویکتوریا درانگلیس بوده است.

داستان این نمایشنامه اینست که چند نفربازیگردوره گرد تحت‌ریاست مردی بنام پی‌یرو (۳) بباغی داخل میشوند که در آن دختر جوانی بنام پرونلا با سهٔ عمه خود زندگی میکنند. طولی نمیکشد که پی‌یر و عاشق پرونلا میشود وبا هم فرارمیکنند.

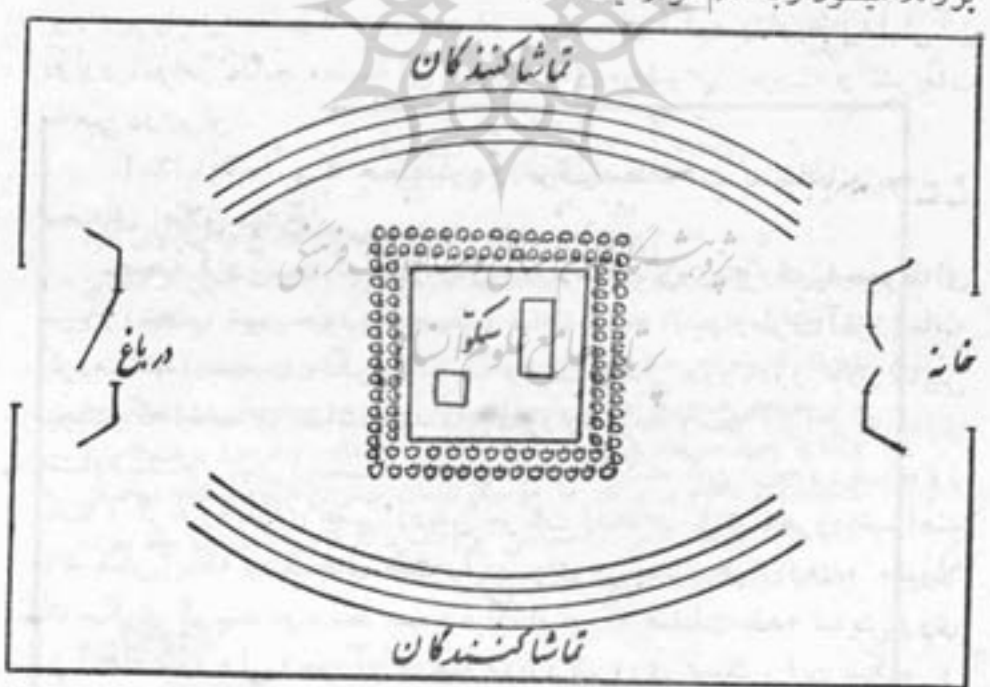

ترتیب صحنه وتالار نمایش برای اجرای نمایشنامه «پرونلا»

۱- Prunella ۲- Laurence Houseman ۳- Pierrot

اجرای این نمایشنامه باین سبك بی اندازه مورد توجه وقبول عامه واقع گردید . سکوی کوچکی دروسط صحنه قرارداشت کـه روی آن یك نیمکت سنگی ویك آفتاب‌نما دیده میشد . اطراف این سکورا حاشیه‌ای از گلهای لالهٔ نعمانی احاطه کرده بود که برجلوهٔ صحنه میافزود . تمام‌محوطهٔ نمایش درحقیقت باغی بود که از یك سمت بساختمان پرونلا وازسمت مقابل به‌در بزرك باغ‌منتهی میشد . بنابراین اشخاص بازی ازدر باغ وازدرعمارت رفت و آمد میکردند یعنی ساکنین خانه ازدرعمارت وبازیگران ازدر باغ داخل صحنه میشدند . موقعی که پرونلا میخواست با پی‌یرو فـرار کند از پنجرهٔ عمارت پائین آمد وازدرباغ خارج شد .

در این نمایشنامه احتیاج به بیش‌ازدودر برای‌ورود وخروج‌نیست‌ولی درنمایشنامه‌هائی که احتیاج به بیش‌ازدودرورود وخروج هست باید از نقاط دیگرصحنه‌استفاده‌شود .

نمایشنامهٔ دیگری که برای صحنهٔ گرد بسیار مناسب است و مکرر به این سبك‌نمایش‌داده شده‌است کمدی«فارس»(۱) بنام طبیب اجباری (۲)اثر «مولی‌یر» میباشد .

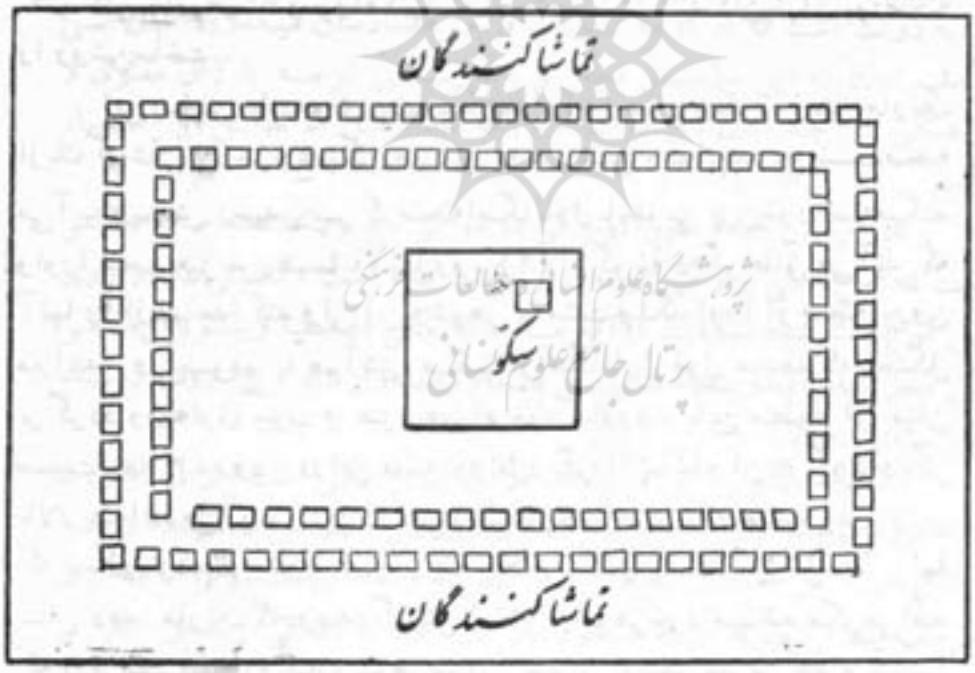

ترتیب صحنه وتالار برای اجرای «پزشك‌اجباری»

۱- Farce ۲- Le Médecin malgré lui

برای اجرای این نمایشنامه تمام تالار نمایش را بسبك قرن هفدهم تزئین کردند. پرده‌های مخمل مجلل با نقشهای زیبا بدرودیوار تالار آویختند. چهلچراغ نقره کوب شده‌ای دروسط تالار ودربالای سکو بسقف آویزان شد. سکوی وسط تالار بوسعت یکمترونیم مربع و بارتفاع چهل و پنج سانتیمتر بود که اشخاص بازی بتوانند براحتی از هرسمت آن بالا و پائین بروند.

روی سکو یك جعبه که با پارچهٔ مخمل آنرا پوشانیده بودند قرارداشت و تماشا کنندگان درهر چهارسمت صحنه مینشستند.

این نمایشنامه ازصحنه‌های مختلف تشکیل میشود از اینقرار: کلبهٔ چوبی، جنگل، اطاق پذیرائی و اطاق اختصاصی خانم. ولی نظر باینکه مولی‌یر برای نشان‌دادن محل ومکان صحنه‌های‌مختلف، عبارات و اشاراتی درمتن نمایشنامه آورده است احتیاجی بتغییر صحنه نیست و باخاموش کردن چراغها تغییرصحنه را میتوان اعلان کرد.

نمایش با صدای زنك بزرگی آغاز گردید. چراغهای قسمت‌تماشاکنندگان خاموش‌شد و نورافکنها که ازچشم تماشا کنندگان‌پنهان بودصحنه را روشن‌ساخت.

این نمایش با دعوای بین اسکانارل (۱) هیزم شکن وزنش مارتین از یك گوشهٔ تالارشروع‌میگردد. این دونفرضمن دعوا بتدریج بسمت‌صحنه می‌آیندو بمحض رسیدن بمرکزصحنه‌اسکانارل با چوبی بزن‌خود حمله‌میکند واورا سخت میزند. همسایهٔ آنها روبر(۲) از گوشهٔ دیگراطاق می‌آید که آنها را ازهم جدا کند ولی زن وشوهر با مشت ولگد اورا از صحنه بیرون میرانند. دراینموقع با هم آشتی میکنند واسکانارل قول میدهد که بجنگل برگردد ومقداری چوب و هیزم همراه خود بیاورد. باین منظور از میان جمعیت بخارج میرود. دراین ضمن دونفردیگر ازتماشاچیان در گوشهٔ‌دیگر تالاربصدا درمی‌آیند. این دونفردرجستجوی‌خانهٔ پزشك هستند پس ازاین که بسکو نزدیك میشوند از مارتین تقاضا میکنند که خانهٔ پزشك را بآنها نشان دهد. مارتین که‌درصدد گرفتن انتقام ازشوهرخود میباشدبفکرمی‌افتد که ازفرصت استفاده کند وشوهرخودرا بعنوان پزشك معرفی کند وبآنها بگوید که این مردطبیب استوازکارطبابت خودداری میکند وفقط باکتك

---

۱ – Sganarelle ۲ – Robert

زدن باومیتوانید ازوجوداو برای‌طبابت استفاده کنید دراین ضمن‌اسکانارل زمزمه کنان وشادوخرم ازجنگل‌بازمیگردد . مارتین بسمت دیگر میگریزد اسکانارل وارد صحنه میشود ودوجوان مزبور باواصرار میکنند که‌بطبابت خود اعتراف کند .

باین‌ترتیب نمایشنامه‌تاآخرادامه می‌یابد . چندنمایشنامهٔ دیگرنیز از جمله نمایشنامه‌ای از اسکاروایلد باین سبك نمایش داده شده است که فعلا ازبحث راجع بآن خودداری میکنیم .

این بود شرح مختصری راجع بوضع صحنهٔ گرد وطرز استفاده‌ازآن آنطور که امروزه‌دراروپا وامریکا معمول است . گو که این سبك‌ازاوائل همین‌قرن در کشورهای‌اروپامعرفی‌شده ولی هنوزمراحل ابتدائی‌وآزمایشی را طی میکند .

نکته‌ای که شایسته کمال توجه است اینست کـه این سبك نمایش از سالها پیش‌درایران درتکیه‌هاوجودداشته وهنوزهم دربسیاری ازشهرستانها اجرا میشود .

جالبترین نمونه‌ای که ازصحنهٔ گرد درایران میتوان نشان داد عکس تکیه دولت است که ازتاریخ بنای‌آن قریب هشتادسال میگذرد. جای بسی تأسف است که این ساختمان مجلل و زیبا بـدون توجـه بارزش معنوی و فرهنگی آن چند سال قبل خراب شد وما فعلا مجبوریم بعکس‌آن اسـتـناد کنیم ..

در خیابان عمدهٔ شهر کوچکی درحوالی نیویورك تخته سنك عظیمی است که لوح‌آهنی بزرگی برروی‌آن نصب شده است . کلماتی که در روی این لوح حك شده حکایت ازاین میکند که یکی ازخطبا وپیشوایان‌مذهبی آن محل،صدیا صدوپنجاه سال‌پیش هنگام وعظ وارشاد مردم روی‌این‌سنك می‌ایستاده است .

خانهٔ مسکونی این مرد که در همان نزدیکی است امروز بصورت یك موزهٔ کوچك درآمده است وهفته‌ای دوروز درش بروی مردم‌بازاست. دراین موزه جز تعدادی تختخواب و گهواره و صندلیهای چوبی و مقداری ظروف سفالی چیزی دیده نمیشود ولی ازآنجا که اهالی‌آن محل بسوابق تاریخی خود- گو که خیلی مختصراست-علاقه دارند تا این درجـه در حفظ آثارخوداهتمام مینمایند. ولی‌ما یکی‌ازبناهای‌تاریخی‌خودرا که هم‌ازلحاظ معماری‌وکاشیکاری وهم ازجهت اینکه مرکزیك سلسله فعالیتهای‌فرهنگی

واجتماعی پدرانمان درقرن گذشته بوده ودارای اهمیت شایان وفراوانی است برای منظور کوچکی خراب وبجای آن ساختمان جدیدی بنا میکنیم . بعقیدهٔ این نویسنده فقدان این بنا را بهیچ طریقی جبران نمیتوان کرد .

بهرصورت چنانکه درعکس آن مشاهده میشود صحنهٔ نمایش راسکوئی تشکیل میدهد که قریب نیم متر ازسطح زمین بلندتراست و درچهار طرف آن پله‌های سنگی دیده میشود که تعزیه خوانها ازآن بالا وپائین میرفتند.

هنگام نمایش درودیوارهای تکیه را با علمها و کتیبه های مشکی تزئین میکردند و این در روحیه تماشا کنندگان تأثیر بسزائی داشت و بر حالت و کیفیت وجلال وشکوه نمایش میافزود .(خواهش میکنم به ابتکاراتی که «راین هاردت»(۱) در نمایش معجزه(۲) بکار برده ودر شماره ۲دوره سوم شرح داده شده مراجعه فرمائید).

تماشا کنندگان دورصحنه مینشستند واعیان ورجال مملکت ازاطاقهائی که کاملا مشرف بصحنه بود تعزیه را تماشا میکردند .

اینك با مراجعه بآنچه درشماره‌های قبل راجع به بنای تماشاخانه در درادوارمختلف تاریخ در کشورهای اروپا بیان شد این سؤال پیش میآید که آیا نمایش بسبك صحنهٔ گرد که فعلادرامریکا واروپا معمول است اقتباس از کدامیك ازسبکهائی که ذکر شده است میباشد . آیا شما تماشاخانه‌ای گردتر ازتکیهٔ دولت درعکسها وشرح تماشاخانه‌های اروپادر گذشته بخاطردارید؟ ما میدانیم که حتی درقرون وسطی وقتی هنرپیشه‌های دوره گرد در نقطهٔ مناسبی ازقبیل چهارراهها و صحراهای نزدیك شهر نمایش بپا میدادند یا از گاری وارابه خود برای صحنه استفاده میکردند ویا با تیروتخته یك صحنهٔ موقتی میساختند ولی بهرصورت درعقب صحنه پرده‌ای می آویختند و هنرنمائیهای آنها فقط دریك سمت انجام میشد وجمعیت تماشا کننده فقط از سه سمت میتوانستند آنها را احاطه کنند .

بنابراین بمحضی که شخص کنجکاو وفتن بطرزاجرای نمایش بسبك صحنهٔ گرد فعلی دراروپاو نقشه بنا وطرز اجرای نمایشهای مذهبی درایران آگاه می گرددابن توهم دراوایجادمیشود که صحنهٔ گرد اروپا تقلیدی است از نمایشهای تعزیه .

نمایشهای تفریحی وخنده‌دار که محل ومکان مشخصی برای آنها نبود

---

۱ - Reinhardt ۲ - The Miracle

واغلب درموارد ومراسم خاصی ازقبیل عروسی وضیافت درخانه‌های مردم اجرا میگردید نیز بصورت صحنهٔ گرد اجرا میشد . عموماً رسم براین بود که روی‌حوض خانه را با تخته میپوشانیدند وآنرا بصورت یك‌صحنهٔموقتی درمیآوردند وجمعیت تماشا کننده دورتادور آن مینشست .

بنابراین چنین میتوان استنباط کرد که برخلاف ملل اروپا که همیشه محل مرتفعی رابرای نمایش وهنرنمائی تعبیه میکرده‌اند که روبروی‌جمعیت باشد ایرانیان‌دروسط محوطه‌ای‌این‌عملیات‌را انجام میداده‌اند. معرکه‌هائی که درویشها وتردستها میگرفتند وورزش‌های باستانی در زورخانه‌ها را میتوان برای نمونه ذکر کرد .

مقصودما دراین مقاله بحث راجع بقدمت تاریخی هنرهای دراماتیك دراین سرزمین نیست ونویسندگان ایرانی واروپائی در کتابها ومجلات در اینخصوص مطالبی بیان کرده‌اند .آنچه فعلا مورد نظر ما است اینست که آیا میتوان احتمال داد که نمایش درروی صحنه گرد که ازتاریخ‌شروع آن دراروپا بیش از پنجاه‌سال نمیگذرد‌تقلید واقتباسی‌ازطرزنمایشهای مذهبی ایران باشد یا خیر ؟

بدیهی است اثبات این مسئله با تحقیق دربارهٔ سابقه اقداماتی که برای اولین نمایش بسبك صحنه گرد در اروپا صورت گرفته روشن‌میشود.

درقرن هیجدهم بود که توجه شعرا وفلاسفهٔاروپائی برای‌یافتن‌افکار نو وگرفتن الهام تازه بطرف مشرق‌معطوف گردید . گوته(۱) که مسحور زیبائی وقدرت تصور وعمق‌تخیلات شاعرانه حافظ واقع شده بوددراواخر قرن نوزدهم در کتاب‌دیوان شرقی(۲) خود اظهارتعجب میکند که‌درادبیات پردامنهٔ فارسی هنردرام وادبیات دراماتیك دیده نمیشود و میگوید که اگر یك شاعردراماتیك‌درایران ظهور کرده بود مسلماً در کیفیت‌وحالت‌ادبیات فارسی تأثیری شایان پیدا میشد. بدیهی است‌مقصود گوته ادبیات فارسی‌بعد ازاسلام است ونظراوهم تاحدی صحیح میباشد .

گوته برای اثبات نظرخودمیگوید که‌ایرانیان عموماً مردمانی‌ساکت وکم حرف هستند . داستانسرائی و قصه پردازی را دوست دارند و بهمین دلیل است که مقادیرزیادی داستان درادبیات فارسی میتوان یافت . دلیل دیگراواینست که میگوید طرزحکومت استبدادی با بحث و مجادله درخور وسازگارنیست‌وهرگاه کسی نظرمخالفی با وضع حکومت خود داشته‌باشد

---

۱ - Goethe ۲ - West- Ostlicher Divan

بذکر آیه‌ای ازقرآن یا بیتی ازاشعار بزرگان گذشته اکتفا میکند .

ولی خود گوته درپایان این بحث متذکرمیشود که ملت ایران هم‌مثل تمام ملل جهان بهنردرام تمایل وعلاقه دارد وآثاری را در ادبیات فارسی من‌باب مثال ذکر میکند ومیگوید :

موضوع مکالمه و تقلید که دور کن عمده از ارکان فنون دراماتیك میباشددر آثارشعرای‌ایران‌فراوان‌است. ازجمله کتاب‌منطق‌الطیرشیخ‌عطار را شاهد می‌آورد .

اینکه گفتیم نظر گوته تاحدی صحیح است‌ازاین‌جهت‌است که درهمان حینی که گوته مشغول نوشتن این عبارات بوده درایران نمایشهاوتشریفاتی بنام تعزیه یا شبیه‌خوانی دراوج شهرت واهمیت خود بود .

شودزکو(۱)چندسال بعد در کتابی که بنام «تآترایران» نوشت گفت همانطور که یونان قدیم‌دارای درام مخصوصی‌است ایران‌نیزتآترمخصوصی دارد . شوتزکو وجوه مشترك ومشابهی برای این دو تآتر ذکر می کند ازاینقرار:

اول اینکه هردو از محصولات وابتکارات خود این دوقوم میباشد. دوم اینکه هردوازمعتقدات‌مذهبی وتشریفات دینی‌دوملت منشاء گرفته‌است . درهردو خوانندگان دسته جمعی وتنها ، اشخاص بازی را تشکیل‌میدهند و طرزاجرای نمایش درهردوملت تقریبا شبیه‌است. این‌نویسنده اضافه میکند که درهردو تآتر بیانات هنرپیشه‌ها بشعرصورت‌میگیرد وموسیقی سهم‌مهمی دراجرای هردونمایش بعهده داشته است .

با اینوصف گوته متأسف است که زبان فارسی‌فاقد ادبیات‌دراماتیك میباشد .

شودزکو اظهار تأسف‌میکند که چرا ایرانشناسان عالیمقام اروپائی تاآنوقت‌توجهی‌باین‌آثار بزرك‌دراماتیك‌فارسی نکرده‌اندوچرااواولین کسی باید باشد که بترجمه تعزیه های فارسی اقدام میکند . الکساندر شودزکو که کتابش درسال ۱۸۷۸ تحت عنوان « تآترفارسی و منتخبی از تعزیه یا درام »(۲)بتوسط ارنست‌لورو(۳)درپاریس‌انتشار یافت قبل‌از کونت‌دو گوبینو (٤) بترجمهٔ‌تعزیه‌های‌ایران بزبان فرانسه اقدام کرده است .

۱- Chodzko

۲- Théêtre Persan, Choix de Téaziés ou Drames

۳ – Ernest Leroux ٤ – Cmte de Gobineau

کتاب گوبینو تحت عنوان «مذهب وفلسفه در آسیای مرکزی»(۱) در سال ۱۸۶۶ در پاریس منتشر شد.

باین ترتیب آشنائی اروپای غربی ومرکزی بتعزیه وسبك اجرای آن بتدریج آغاز گردید.

در همین ایام سرلوئیس پلی(۲) سی وهفت تعزیه بزبان انگلیسی ترجمه کرد ودرسال ۱۸۸۹ بچاپ رسانید. ساموئل بنجامین(۳) اولین وزیرمختار امریکادرایران در کتاب خود تحت عنوان « ایران و ایرانیان » (٤) فصل مبسوطی راجع به تعزیه در ایران و تشریفاتی که هر سال در دههٔ اول محرم درتکیه دولت بعمل میآمدباتمام کیفیات هنری آن ذکر کرده است که شایان کمال توجه میباشد. کتاب مزبور در سال ۱۹۰۱ در نیویورك بطبع رسید. ذکر فهرست کتب و آثاراروپائیانی که راجع بتعزیه تحقیق کرده‌اند مفصلتر ازاینست که در چنین مقاله‌ای بگنجد. از اینرو بهمین اندازه اکتفا میکنیم. نتیجه‌ای که از ذکر این مقدمات میخواهیم بگیریم اینست که آیا میشود احتمال داد که تماشاخانه با صحنه

میرزا غلامحسین شبیه حضرت عباس

۱- Les Religions et les philosophies dans l'Asie Centrale
۲- Sir Lewis Pelly ۳- Samuel Benjamin
٤- Persia and the Persians

گرد که فعلادراروپا وامریکامعمول است تقلیدی ازتکیه‌ها وتعزیه‌های فارسی باشد؟

ملل اروپا ازابتدای رونسانس تا اوایل قرن نوزدهم و حتی میتوان گفت تا اواسط قرن هیجدهم تحت نفوذ فلاسفه ومتفکرین یونان ورم قدیم بودند وازآثار شعرا وهنرمندان یونان بود که همیشه الهام میگرفتند. در اینموقع که میدان تحقیق وپژوهش درآثار یونان ورم داشت به انتهامیرسید وازطرف دیگرملل اروپا برای بسط نفوذ سیاسی ونظامی واقتصادی خود بمشرق زمین رو آورشدند بفنون نوی در ادبیات و هنر آشنا گردیدند. نویسندگانی که نام واسم کتابشان درپیش ذکرشد همه نمایندگان سیاسی دولتهای متبوعه خودبودند وپس‌ازاینکه آثارشان طبع و نشرشد مسلماً در حوزه‌های هنری اروپا که تشنه افکار و سبکهای جدید بودند مؤثر گردید وبتدریج وسائل ایجادصحنهٔ گرد را فراهم آورد.

این‌موضوع احتیاج به بحث ومطالعه بیشتری دارد ولی درخاتمه این مقاله تذکراین نکته‌را ضروری میدانیم که وظیفه اولیای فرهنك وهنر ما تنها این‌نیست که درترویج صنعت وادبیات فارسی‌درایران بکوشندوجوانان کشورما را بافتخارات گذشته پدرانشان آگاه کنند. باید برنامهٔ وسیعی برای شناساندن خدماتی که ایرانیان درپیشرفت فرهنك بشر کرده‌اند نیز طرح شود تا شعرا وبزرگان ما هریك ترك وتاجیك وعرب معرفی نشوند ونتایج ذوق وابتکاراجداد ما بتاراج نرود.

پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی